

تأملی در باب نسبت فلسفه و سینما

سکانس های فلسفی سینما



[دکتر محمد ضمیران (۳ بخش نخست)]

فلسفه سینما حتی در غرب هم رشته ای نوظهور محسوب می شود زیرا از اوایل سال ۱۹۸۰ بود که فلسفه سینما به صورت رشته ای مستقل شکل گرفت و رسمیت یافت بنابراین تنها ما ایرانیان نیستیم که در این زمینه تازه وارد هستیم بلکه برای غربی ها هم - چنان که گفته شد - این گستره نوظهور است. قبل از ظهور فلسفه سینما - به عنوان رشته ای مستقل - نظریه سینما از بنو پدایش سینما، پایه پای فیلم رشد کرد. اما فلسفه در حوزه سینما، نوهالی است که هنوز شکوفا نشده، بنابراین می توان گفت از دوره نود به بعد و بعد نوزایی در این زمینه ایجاد شده است. انجارج آتار و به طور کلی فعالیت های سینمایی رفته رفته بررسی فلسفه سینما را در ضرورت خاصی بر ضرور دارد کرده و آن را در دیدن سایر رشته های فلسفه مضاف قرار داده است.

پیش از ورود به بحث لازم است دو ویژگی عمده در فلسفه فیلم مورد توجه قرار بگیرد: نخست آن که پژوهندگان سینما که خود به طور حرفه ای فیلسوف محسوب نمی شده اند، در طرح مباحث فلسفی به طور عام - در زمینه سینما - سهم عمده ای را ایفا کردند و این امر فلسفه سینما را در سایر فلسفه های مضاف کاملاً متمایز می کند.

بنابراین این در بحث وقتی از فیلسوف سینما سخن به میان می آید، مراد اهل فلسفه نیست بلکه مقصود تمام کسانی است که در باب فیلم و سینما، موضوعات و مسائل فلسفی را مد نظر قرار می دهند.

دومین نکته قابل ذکر این است که: میان فلسفه سینما و نظریه سینما همواره وجهی نتانگ وجود دارد. پس تفکیک نظریه سینما از فلسفه سینما کاری است بی شووار. البته می توان گفت فلسفه سینما میان این دو حوزه در نظر گرفت مهم ترین تفاوت این است که در نظریه سینما، گستره هایی همچون انسان شناسی، قوم شناسی، علوم سیاسی و روانشناسی نقش کلیدی دارند. پس نظریه سینما با طبع از این رشته ها بهره گرفته و در درون نهادی را تحت این نام قرار داد.

اما فلسفه سینما به هیچ وجه دغدغه روانشناسی و فلسفه مردم شناختی یا احتمالاً جامعه شناختی ندارد. بلکه فلسفه سینما می تواند مسائل فیلم و سینما را حداقل از چهار منظر: هستی شناسی سینما، معرفت شناسی سینما، ارزش شناسی سینما و زیبایی شناسی سینما مورد مطالعه قرار دهد.

اغلب متخصصان تاریخ هنر، فلسفه سینما را معمولاً با رساله معروف ارسطو موسوم به پوئیتیکا (فن شعر) آغاز می کنند. ارسطو در این اثر گران سنگ انواع صورت های هنری را مد نظر قرار داده است اما مهمترین اثری که منظر فلسفی برای او تراژدی است. او در تعریف تراژدی به جنبه های گوناگون ژانر در این حوزه پرداخته و انواع ویوادهارا را اجزا، اجزای خود و همین طور منزلت فردی - اجتماعی شخصیت های نمایش و نیز کیفیات اخلاقی، بررسی لغزش ها و خطاهای تراژیک، و از لحاظ ساختار روایت و تاثیر اثر بر روایت مورد بررسی قرار داده است. که هنوز هم حلقه ارسطویی نقش کلیدی در فلسفه هنر - به طور عام - و فلسفه سینما - به طور خاص - دارد است.

اما فلاطون استاد ارسطو، در دفتر سوم رساله جمهوری، صورت های هنری را به سه دسته تقسیم می کند: ۱- تقلید محض از گفت و گوها که در تراژدی و کمدی مطرح می کند.

۲- خروانی مستقیم که در حماسه متجلی است. ۳- ترکیبی از این دو - که در حماسه متجلی است. موضوع تقلید، تمایز میان تراژدی و کمدی را مطرح می کند.

فلسفه سینما به هیچ وجه دغدغه روانشناسی، جامعه شناختی ندارد.

مردم شناختی یا احتمالاً جامعه شناختی سینما می تواند مسائل فیلم و سینما را حداقل از چهار منظر: هستی شناسی سینما، معرفت شناسی سینما، ارزش شناسی سینما و زیبایی شناسی سینما مورد مطالعه قرار دهد.

فلسفه سینما به هیچ وجه دغدغه روانشناسی، جامعه شناختی ندارد.

فلسفه هنر مطرح شده، مد نظر قرار بگیرد. بنابراین فلسفه سینما همچون نظریه سینما زمینه های تاریخی خود را دارد و همه کسانی که در این حوزه فعالیت دارند، نوشته های خود را از دوران افلاطون و ارسطو آغاز می کنند. جالب است گفته شود که میان تمثیل غار افلاطون و هستی شناسی سینما، تلاقی جویبی و خارق العاده ای برقرار است. بدین شکل که هم غار افلاطون و هم سینما با وجهی نور صنعتی سرو کار دارد. در غار افلاطون، نوری از پشت سر اسیران در غار ساطع می شود. این نور بر افراد بیرون از غار و آزاد می تابد و سایه های آنها را روی دیوار غار منکس می کند و سبب می شود که اسیران میان واقعیت، سایه ها و اشباح دچار اشتباه شوند. دنیای سینما هم نوری بر روی قلمی که سایه ای از او رویدادها و افراد است می تابد و باعث می شود تا سایه ای از آن بر روی پرده سینما یا دیوار انعکاس یابد. در هر دو مورد نوری در پشت سر اسیران و تماشاچیان قرار دارد و هم چنین هر دو گروه با سایه ها سرو کار دارند. از این رو متن افلاطون و ارسطو در تبیین سینما - به خصوص در بخش غیر قابل چشم پوشی است.

بسیه ای است که امروزه فیلم و سینما به عنوان صورتی هنری مستولیتری بر دوش فلسفه گذاشته است تا ماهیت این پدیده هنری را بشکافد، بنابراین مکتب ها و جنبش های گوناگونی کار نقد، تحلیل و تفسیر سینما و فیلم را بر عهده گرفته است.

در این جا به اختصار به سیر اندیشه هایی که این ریاضات ها را دنبال کرده اند اشاره می کنیم: پیش از هر چیز بایستی به نقش مکتب ساختارگرایانه و به مسئله سینما پرداخته اند نام ببریم، از همه مهم تر فرمالیسم، سپس حوزه نشانه شناسی، روانکاوی، فمینیسم، نحله موجود در کشور های انگلیس، آکسون به نام مکتب ساختارشناسی، مکتب طرفداران جهان سوم یا مکتب جنبش سوا استعماری، مکتب ساختارگرایی، ساساختارگرایی و در آخر مکتب واگنی و واگنیایی است. که هر کدام از این جریانها و رویکردها، تفسیرهای جالبی به حوزه سینما وارد کرده اند و هیچ گاه غیر قابل انکار مهمی کدام از این نحله ها را به عنوان رویکرد مسلط معرفی نکرده اند. زیرا ترجیح هر کدام باعث نادیده گرفتن بقیه رویکردها می شود.

اما لازم به ذکر است که هر کدام از این جریانها دستاوردی برای اهل نظر فراهم کرده اند، نوشته های اولیه در باب سینما از ناحیه فرهنگدانان و ادیبان معروف مطرح شد که از جمله می توان از ماکسیم گورکی نام برد که در سال ۱۸۹۶ و با دیدن فیلمی که در روسیه دیده بود، گفت: «دیشب من در سلطنت سبایه ها حضور داشتم، نمی دانید که چقدر شگفت انگیز بود. دنیای بی آب و بدون رنگ، هر چیز از زمین و آسمان و درخت و انسان ها و آب هوارنگ کاستری کنواخت داشت. آنچه دیدم فاقد حیات بود. اما هر چه جد حیات را به یاد می آورم، سکونت و سایه های آنها را روی دیوار غار منکس می کند و سبب می شود که اسیران میان واقعیت، سایه ها و اشباح دچار اشتباه شوند. دنیای سینما هم نوری بر روی قلمی که سایه ای از او رویدادها و افراد است می تابد و باعث می شود تا سایه ای از آن بر روی پرده سینما یا دیوار انعکاس یابد. در هر دو مورد نوری در پشت سر اسیران و تماشاچیان قرار دارد و هم چنین هر دو گروه با سایه ها سرو کار دارند. از این رو متن افلاطون و ارسطو در تبیین سینما - به خصوص در بخش غیر قابل چشم پوشی است.

بسیه ای است که امروزه فیلم و سینما به عنوان صورتی هنری مستولیتری بر دوش فلسفه گذاشته است تا ماهیت این پدیده هنری را بشکافد، بنابراین مکتب ها و جنبش های گوناگونی کار نقد، تحلیل و تفسیر سینما و فیلم را بر عهده گرفته است. در این جا به اختصار به سیر اندیشه هایی که این ریاضات ها را دنبال کرده اند اشاره می کنیم: پیش از هر چیز بایستی به نقش مکتب ساختارگرایانه و به مسئله سینما پرداخته اند نام ببریم، از همه مهم تر فرمالیسم، سپس حوزه نشانه شناسی، روانکاوی، فمینیسم، نحله موجود در کشور های انگلیس، آکسون به نام مکتب ساختارشناسی، مکتب طرفداران جهان سوم یا مکتب جنبش سوا استعماری، مکتب ساختارگرایی، ساساختارگرایی و در آخر مکتب واگنی و واگنیایی است. که هر کدام از این جریانها و رویکردها، تفسیرهای جالبی به حوزه سینما وارد کرده اند و هیچ گاه غیر قابل انکار مهمی کدام از این نحله ها را به عنوان رویکرد مسلط معرفی نکرده اند. زیرا ترجیح هر کدام باعث نادیده گرفتن بقیه رویکردها می شود. اما لازم به ذکر است که هر کدام از این جریانها دستاوردی برای اهل نظر فراهم کرده اند، نوشته های اولیه در باب سینما از ناحیه فرهنگدانان و ادیبان معروف مطرح شد که از جمله می توان از ماکسیم گورکی نام برد که در سال ۱۸۹۶ و با دیدن فیلمی که در روسیه دیده بود، گفت: «دیشب من در سلطنت سبایه ها حضور داشتم، نمی دانید که چقدر شگفت انگیز بود. دنیای بی آب و بدون رنگ، هر چیز از زمین و آسمان و درخت و انسان ها و آب هوارنگ کاستری کنواخت داشت. آنچه دیدم فاقد حیات بود. اما هر چه جد حیات را به یاد می آورم، سکونت و سایه های آنها را روی دیوار غار منکس می کند و سبب می شود که اسیران میان واقعیت، سایه ها و اشباح دچار اشتباه شوند. دنیای سینما هم نوری بر روی قلمی که سایه ای از او رویدادها و افراد است می تابد و باعث می شود تا سایه ای از آن بر روی پرده سینما یا دیوار انعکاس یابد. در هر دو مورد نوری در پشت سر اسیران و تماشاچیان قرار دارد و هم چنین هر دو گروه با سایه ها سرو کار دارند. از این رو متن افلاطون و ارسطو در تبیین سینما - به خصوص در بخش غیر قابل چشم پوشی است.

کتاب اندیشه



عبدالحسینی قیام
نشر فرهنگ معاصر

فرهنگ معاصر میانه (عربی - فارسی)

پس از انتشار فرهنگ معاصر عربی - فارسی در سال ۱۳۸۱ با ۶۰ هزار مدخل برای اهل فن، تألیف فرهنگی با بازرگان متداول تر و برابری کاربرد جهت مخاطبان عام ضروری به نظر می رسد، به این منظور، مؤلف مدخل های متداول عربی و معادل های پر کاربرد را از میان خیل تنظیم آن مدخل ها برگزیده و در فرهنگ حاضر به سامان آورده است و در این راستا دو کتاب فاقوس المورد (عربی) - و المنجد الوسیط فی العربیة المعاصرة را مبنای کار خود قرار داده است.

استفاده از جدیدترین و علمی ترین شیوه های فرهنگ نویسی به منظور هر چه ساده تر کردن فرهنگ جهت سهولت دسترسی به آوازه ها و هر چه فارسی تر کردن آن از ویژگی های فرهنگ حاضر است. از دیگر ویژگی های این فرهنگ، ترتیب الفبایی مدخل های آن است که به این اعتبار استفاده از آن مستطد داشتن سواد عربی و آشنایی با ابواب مختلف آن نیست. ضمیمه اصطلاحات علمی، درج عبارات اصطلاحی، درج معنی الفعل مضارع و ذکر ریشه مدخل ها از دیگر امتیازات این فرهنگ به شمار می رود.



محمدرضا باطنی
نشر فرهنگ معاصر

فرهنگ معاصر بویا (انگلیسی - فارسی)

نخستین ویراست فرهنگ معاصر محمدرضا باطنی در سال ۱۳۷۱ پس از هفت سال کار و پژوهش منتشر شد. ویراست دوم آن با اصلاحات و افزوده های فراوان در سال ۱۳۷۶ انتشار یافت. اکنون پس از شش سال کار چندین بار به همت وادع پژوهش فرهنگ معاصر، ویراست سوم این فرهنگ به جامعه فرهنگی و علمی کشور عرضه شده است و ناشر به دلیل روند پویایی این تحقیق، ویراست سوم این اثر را فرهنگ انگلیسی - فارسی بویا نام گذارده است. از ویژگی های این فرهنگ امتیازاتش بر ویراست های پیشین می توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- فعل های گروهی phrasal verbs که در زبان انگلیسی نقش بسیار مهمی دارند در این ویراست وارد شده است. (اصطلاحات روزمره، مثل های بسیار و به هم ایی های رایج common collocations در این ویراست ضبط شده است. در حدود ۲۰ هزار مدخل در این فرهنگ آورده شده که ۱۰ هزار مدخل جدید مربوط ویراست سوم است که اغلب از رسانه های خبری انگلیسی زبان از جدیدترین ویراست فرهنگ های یک زبانه انگلیسی گرفته شده است.
- ۲- تعداد بسیار زیادی مثال انگلیسی همراه با ترجمه آنها به فرهنگ حاضر اضافه شده است.
- ۳- برای کمک به کاربران فرهنگ، در این ویراست های تدوین در فرهنگ تجارده های انگلیسی که در ویراست های پیشین به آنها توجه نشده بود در این ویراست وارد شده و برابری مناسب فارسی برای آنها آماده شده است.
- ۴- در نگارش در این فرهنگ حذف شده و به جای آنها برای های فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی پیروی شده است.

تلفن اندیشه ۸۸۶۶۱۲۵۷

آگهی مناقصه عمومی
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹

آگهی مزایده عمومی
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹

آگهی تجدید مزایده عمومی
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹

آگهی فراخوان
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹

آگهی مزایده حضوری
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹

آگهی مزایده عمومی
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مشاوران
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹

آگهی مزایده عمومی
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۱۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۹